



معرفی برنامه پیشگامه آن لایف

Introducing the onlife initiative program



معرفی برنامه پیشگامی آن لایف

گزارش شماره ۸

مردادماه ۱۳۹۸

تهیه شده در: پژوهشگاه مرکز ملی فضای مجازی-گروه مطالعات فرهنگی و اجتماعی
تهیه کننده: یحیی شعبانی (دانشجوی دکترای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)
ناظر علمی: امیررضا باقرپور شیرازی

سرشناسه	: شعبانی، یحیی، ۱۳۵۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: معرفی برنامه پیشگامی آن لایف/تهیه کننده یحیی شعبانی؛ ناظر علمی امیررضا باقرپور شیرازی؛ تهیه شده در پژوهشگاه مرکز ملی فضای مجازی-گروه مطالعات فرهنگی و اجتماعی. تهران: پژوهشگاه فضای مجازی، ۱۴۰۰
مشخصات نشر	: ۲۱ص. ۲۱/۵×۱۴/۵؛ س م
مشخصات ظاهری	: شابک
وضعیت فهرست نویسی	: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۲۳۰-۹-۸
یادداشت	: فیپا
عنوان دیگر	: بالای عنوان: عصر فضای مجازی.
موضوع	: عصر فضای مجازی. رفتار Human behavior تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات *Information and communications technologies تکنولوژی اطلاعات -- جنبه های اجتماعی Information technology -- Social aspects تکنولوژی اطلاعات -- فلسفه Information technology -- Philosophy رسانه های گروهی Mass media فضای مجازی cyberspace
شناسه افزوده	: باقرپور شیرازی، امیررضا، ۱۳۶۱-
شناسه افزوده	: پژوهشگاه فضای مجازی
رده بندی کنگره	: @D, 44
رده بندی دیویی	: ,00*4
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۴۰/-2
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیپا

نشانی: تهران، میدان آرژانتین، خیابان بیهقی، نبش خیابان ۱۶ غربی، پلاک ۲۰، کدپستی ۱۵۱۵۶۷۴۳۱۱

شماره تماس: ۸۶۱۲۱۰۶۱ <http://www.majazi.ir>

حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به مرکز ملی فضای مجازی است و استفاده از مطالب آن صرفاً با ذکر مأخذ بلامانع است.

محتوای انتشار یافته در این گزارش الزاماً بیانگر دیدگاه مرکز ملی فضای مجازی نیست

سخن نخست

فضای مجازی با ثبات سکونت و روبه‌ترایدی که در حال بطن و گسترش است تمام ساحات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی زندگی بشر را در نور دیده و هر روز بخش بزرگی از زندگی واقعی را در خود فرو برده و حیات متفاوت و جدیدی به آن می‌دهد. لذا به نظرمی رسد دو نگاه کلان به فضای مجازی وجود دارد: نگاه اول که بالانص در ابتدای رشد و تکوین فضای مجازی مسلط شده بود، آن را همچون ابزاری کنار سایر ابزارهای بشری تصویر می‌کرد که تنها طریقت داشت. اما نگاه دوم، در نتیجه رشد تحولات خیره‌کننده فضای مجازی و سایه‌گستری آن در حوزه‌های بشردر یک دهه اخیر آن را چون سکویی می‌داند که بسیار فراتر از نشان ابزاری حیات انسان‌ها را سامان جدیدی داده و ادعای تمدن نوینی را دارد. رویکردی که از قضا از چشمان بصیر رهبر انقلاب نیز دور نمانده و انتظاری تمدنی از فضای مجازی در ایران را مطالبه داشته‌اند.

در همین راستا گزارش‌های عصر فضای مجازی تلاش می‌کند تا فهم سازمان‌ها و دستگاه‌های مرتبط با حوزه‌ی فضای مجازی را ارتقاء بخشد و آن‌ها را برای مواجهه فعال و خردمندانه با تحولات این عرصه مهیا سازد.

سید ابوالحسن فیروزآبادی
دبیر شورای عالی و رئیس مرکز ملی فضای مجازی

چکیده

کمیسیون اروپایی در سال ۲۰۱۲ برای پاسخ دادن به پرسش‌هایی که به تأثیر فاوا بر روی وضعیت انسان مربوطاند برنامه‌ای پژوهشی با عنوان «پیشگامی آن‌لایف» را کلید زد. عنوان کامل این پروژه از این قرار است: *پیشگامی آن‌لایف: بازمهندسی مفاهیم برای بازاندیشی در دلواپسی‌های اجتماعی در گذار دیجیتال*. در واقع کمیسیون اروپایی در قالب این برنامه جمعی از اندیشمندان فعال در حوزه فضای مجازی را که سابقه کاری آن‌ها قابل توجه است گرد هم آورد تا به پرسش‌هایی مانند پرسش فوق پاسخ بدهند. به‌طور کلی آنچه برای سیاست‌گذاران در کمیسیون اروپایی اهمیت داشت و دارد این است که توسعه فاوا چه تأثیرات رادیکالی بر روی وضعیت انسان دارد. سیاست‌گذاری و حکمرانی در چنین شرایطی بی‌تردید مبتنی بر نگرشی نظری است که معطوف به جهان بیش‌متصل باشد. فقط با داشتن چنین نگرشی است که می‌توان مسائل مرتبط با فاوا را به خوبی فهم و سپس حل کرد.

واژگان کلیدی: پیشگامی آن‌لایف (Onlife Initiative)، مانیفست آن‌لایف (Onlife Manifesto)، گذار دیجیتال، فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا)، اتحادیه اروپا.

فهرست مطالب

۱- مقدمه	۱
۲- معرفی مؤلفان	۲
۳- ترجمه مانیفست آن لایف	۵
۳-۱- آیا بازی برای مدرنیته به اتمام رسیده است؟	۶
۳-۲- در تنگنای فرانکشتاین و برادر بزرگ	۸
۳-۳- دوگانه‌گرایی مرده است! زنده‌باد دوگانه‌ها!	۹
۳-۴- حوزه عمومی و خصوصی	۱۱
۳-۵- پیشنهادهایی برای بهتر ساختن تدابیر	۱۲
۳-۶- تبدیل شدن به جامعه‌ای از حیث دیجیتال باسواد	۱۳
۳-۷- مراقبت از توانایی‌های توجهی‌مان	۱۴
۴- تحلیلی کوتاه بر مانیفست آن لایف	۱۵
۵- منابع	۱۶

۱- مقدمه

مانیفست آن لایف حاصل کوشش گروهی از پژوهشگران است که DG Connect (مرکز مدیریت شبکه‌ها، محتوا و تکنولوژی ارتباطی کمیسیون اروپایی) آن‌ها را گرد هم آورده است. لوچیانو فلوریدی فیلسوف معروف در حوزه فلسفه اطلاعات مدیریت جلسات این گروه را بر عهده داشت. در واقع این مانیفست حاصل همکاری یک‌ساله ۱۳ دانشمند و مدیر اروپایی در این حوزه است. مانیفست آن لایف عملاً سند موجزی است که قرار است چارچوب اقدامات و دستور کار اتحادیه اروپا در حوزه فضای مجازی را شکل دهد. چنانکه می‌دانیم کارگاه‌ها، نشست‌ها و سمینارهای بین‌المللی زیادی برای معرفی این مانیفست صورت گرفته است تا اولاً این برنامه پژوهشی را معرفی و ثانیاً بازخوردهای مختلف را دریافت کند. انتشارات اشپرینگر این سند و تفاسیر مؤلفان آن و اسناد پس‌زمینه‌ای را در قالب کتابی با عنوان Onlife Manifesto منتشر کرده است. آنچه در این سند کوتاه و موجز اهمیت فراوان دارد اجماع پژوهشگران در حوزه‌های مختلف بر سر موضوعاتی است که از حیث نظری و سیاسی بسیار نوپا و شکننده هستند. در واقع این مانیفست کوتاه حاصل اجماع نظر جریانات مختلف فکری در اروپا بر سر موضوع فضای مجازی (با تأکید بر فاوا) است. چنانکه می‌دانیم در اینگونه حوزه‌های نوپا، چنین اجماعی می‌تواند بسیار اثرگذار باشد. در واقع این اجماع به زبان ساده می‌تواند نیروی محرکه‌ای راهبردی تولید کند که جهت‌گیری و استراتژی سیاسی و علمی در حوزه‌های پژوهشی و سیاست‌گذاری را روشن‌تر سازد. اینگونه اجماع‌ها در قالب مانیفست‌نویسی به برنامه‌های پژوهشی در حوزه‌های علمی و حکمرانی لحن و جهت می‌دهد و عملاً افقی برای آینده ترسیم می‌کند. در ادامه به معرفی مؤلفانی می‌پردازیم که در این پروژه شرکت داشته‌اند.

۲- معرفی مؤلفان

استفانا برادبنت (Stefana Broadbent): استاد دپارتمان انسان‌شناسی دانشگاه کالج لندن. برگزارکننده MSc در انسان‌شناسی دیجیتال. او قبلاً عضو هیأت استراتژی Swisscom بود و در آنجا یک واحد پژوهشی برای رصد کاربردن را نیز مدیریت می‌کرد. همچنین او در مدیریت تیم IconMedialab نیز حضور داشت که در حال حاضر یک مؤسسه مشاوره دیجیتال چندملیتی در استکهلم با عنوان LBi است. در سال ۱۹۹۳ کمپانی CB&J را تأسیس کرد؛ در سال ۱۹۹۹ IconMedialab کنترل این کمپانی را به دست گرفت. از دانشگاه ادینبارا در رشته علوم شناختی مدرک PH.D دارد و علاوه بر آن از دانشگاه ژنو نیز مدرک روانشناسی گرفته است. استاد انسان‌شناسی و ارگونومیک (طراحی ماشین) در Politecnico میلان و ENSAD پاریس نیز است. کتاب اخیر او با عنوان *Intimacy at Work: How Digital Media (The Association For Creative Bring Private Life to the Workplace Industries)* برنده جایزه AFCI در سال ۲۰۱۲ شده است.

نیکول دواندر (Nicole Dewandre): مشاور مدیر کل بخش ارتباطات، شبکه‌ها، محتوا و فناوری‌ها (DG CONNECT) در کمیسیون اروپایی برای امور اجتماعی است. تحصیلات وی مهندسی فیزیک کاربردی و اقتصاد در دانشگاه لوون، تحقیق در عملیات در دانشگاه برکلی و فلسفه در دانشگاه آزاد بروکسل بوده است. او در سال ۱۹۸۳ وارد کمیسیون اروپایی شد، سپس به عضویت گروه مشورتی مرکزی و واحد مطالعات درآمد که به تحلیل استراتژیک پژوهش و سیاست‌گذاری صنعتی برای رییس کمیسیون می‌پردازد. در سال ۱۹۹۳ از ریاست بلژیک بر اتحادیه اروپا در بخش‌های صنعت، انرژی و تدابیر مربوط به مصرف‌کنندگان حمایت کرد. سپس در مسائل مربوط به «علم و جامعه» (زنان و علم، پژوهش و جامعه مدنی) مشغول به کار شد قبل از آنکه به ریاست واحد «توسعه پایدار» انتخاب شود. او اکنون بر روی رابط (interface) اجتماعی برنامه‌کار دیجیتال برای اروپا مشغول به کار است.

چارلز ام. اس (Charles M. Ess): استاد مطالعات رسانه، دپارتمان رسانه و ارتباطات، در دانشگاه اسلو. او جوایز زیادی را در بخش آموزش و پژوهش کسب کرده است. بخش عمده آثار مکتوب اس در مورد اخلاق اطلاعات و محاسبه و مطالعات اینترنت است. مهم‌ترین رویکردش در این مطالعات رویکرد چندفرهنگی و مهم‌ترین مسئله او در این حوزه «انسان‌بودن در عصر دیجیتال (و آنالوگ)» است. در همین چارچوب او بر روی هنجارها و ارزش‌های رسانه در عصر دیجیتال تأکید فراوان دارد.

لوچیانو فلوریدی (Luciano Floridi): استاد فلسفه و اخلاق اطلاعات در دانشگاه آکسفورد و نیز پژوهشگر ارشد در مؤسسه اینترنت آکسفورد است. همچنین او کرسی اخلاق کامپیوتر و اطلاعات در یونسکو را نیز بر عهده دارد. فلوریدی جوایز فراوانی در حوزه‌های پژوهشی مختلف کسب کرده است و عملاً یکی از مهم‌ترین اندیشمندان و پژوهشگران نوآور در مسائل مربوط به فلسفه اطلاعات و فضای مجازی به شمار می‌رود و تألیفات فراوان و تأثیرگذاری نیز دارد. فلوریدی ریاست پروژه «پیشگامی آن لایف» کمیسیون اتحادیه اروپا را بر عهده داشته است.

ژان-گابریل گاناشیا (Jean-Gabriel Ganascia): استاد علوم کامپیوتر در دانشگاه پیر و ماری کوری و عضو LIP6 (Laboratory of Computer Science of the UPMC) [آزمایشگاه علوم کامپیوتر دانشگاه سوربون] است و در آنجا ریاست تیم ACASA را بر عهده دارد. همچنین معاون مدیر آزمایشگاه OBVIL نیز بر عهده اوست که بر علوم انسانی دیجیتال متمرکز است. فعالیت‌های پژوهشی او بیشتر بر هوش مصنوعی، علوم شناختی، فلسفه محاسباتی و علوم انسانی دیجیتال متمرکز است. گاناشیا عضو COMETS (کمیته اخلاقی CNRS) و CERN (کمیسیون اخلاق علوم دیجیتال) است که مؤسسات پژوهشی و محاسباتی در فرانسه را هماهنگ می‌کنند.

میرل هیلدبراند (Mireille Hildebrandt): استاد Smart Environments (جهان فیزیکی در هم تنیده با سنسورها، محرک‌ها، نمایشگرها، ابزار محاسباتی)، حفاظت داده‌ها و حقوق در مؤسسه علوم محاسباتی و اطلاعات (iCIS) دانشگاه Radboud Nijmegen. استاد حقوق در مدرسه حقوق اراسموس روتردام و پژوهشگر ارشد در Law Science Technology & Society studies دانشگاه Vrije بروکسل. بیشتر کارهای حقوقی و فلسفی او به پیوند حقوق اطلاعات، فلسفه حقوق و فلسفه فناوری مربوط است.

یانیس لاوریس (Yiannis Laouris): کارآفرین در حوزه اجتماعی و کسب و کار، متخصص علوم اعصاب، مهندس سیستم و فعال صلح‌طلب. دانشمند ارشد و رییس مؤسسه علوم اعصاب و فناوری قبرس (www.cnti.org.cy) و مرکز جهان‌های آینده (www.futureworlds.eu). او عضو مؤسس انجمن مطالعات سیستم قبرس، عضو کمیته مدیریت مؤسسه قرن بیست و یکم Agoras و چندین کمپانی‌های تک است. او در دهه ۹۰

میلادی (CYBER Kids (www.cyber-kids.com) را تأسیس کرد که شامل مراکزی زنجیره‌ای برای آموزش کامپیوتر است و IT را وارد زندگی هزاران کودک و بزرگسال در کشورهای مختلف کرده است. او یکی از کسانی است که در توسعه فناوری‌های پهنای باند نقش مهمی ایفا کرده است.

کلر لابه-ماریس (Claire Lobet-Maris): جامعه‌شناس و دارای Ph.D در مطالعات آزمایشگاهی. استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه Namur بلژیک است و برای دانشجویان علوم کامپیوتر و حقوق جامعه‌شناسی تدریس می‌کند. او مدیریت علمی CRIDS (مرکز پژوهشی اطلاعات، حقوق و جامعه) را نیز بر عهده دارد. تخصص او مسئله هویت در جامعه اطلاعات است و پژوهش‌های وی بر مشاهده و تحلیل عملیات رسانه‌ای، بودن در جهان و زیستن با یکدیگر در عصر دیجیتال متمرکز است. او عضو آکادمی علوم بلژیک و نماینده بلژیک در کمیته علوم اجتماعی، علوم برای اروپا و تخصص علمی برای کمیسیون اخلاقی Alliance (Alliance des Sciences et Technologies du Numérique – French Government). او معاونت رییس دانشگاه Namur بلژیک را نیز بر عهده دارد.

سارا اوتس (Sarah Oates): استاد و پژوهشگر ارشد در کالج روزنامه‌نگاری فیلیپ مریل در دانشگاه مریلند و استاد کالج پارک آمریکا است. او مؤلف ۵ کتاب درباره رسانه و دموکراسی است از جمله: بساط انقلاب: محدودیت‌های سیاسی اینترنت در سپهر پسا-شوروی؛ تروریسم، انتخابات و دموکراسی: کمپین‌های سیاسی در ایالات متحده، بریتانیای کبیر و روسیه. پژوهش‌های او متمرکز بر تأثیر اطلاعات در جامعه است.

اوگو پاگالو (Ugo Pagallo): استاد حقوق در دانشگاه تورین، مرکز مطالعات حقوقی فراملیتی لندن و مرکز اینترنت و جامعه در پلی‌تکنیک تورین. سر ویراستار مجموعه Digitalica و AICOL (اشپرینگر). مؤلف ۹ تکنگاشت و چندین مقاله با تمرکز بر هوش مصنوعی و حقوق، نظریه شبکه، رباتیک، حقوق فناوری اطلاعات.

جودیت سیمون (Judith Simon): پژوهشگر ارشد در دانشگاه وین (فلسفه) و مؤسسه فناوری کارلسروهه. محقق در دانشگاه‌های پاریس (اکول نورمال سوپریور)، استنفورد، ترنتو (ایتالیا)، کاتالونیا (بارسلونا). پژوهش‌های اخیر او بر رابطه بین اعتماد و فناوری‌های محاسبات، اطلاعات و ارتباطات متمرکز است. در سال ۲۰۱۳ جایزه هربرت سیمون در انجمن بین‌المللی محاسبه و فلسفه را دریافت کرد. او ویراستار مجله «فلسفه و فناوری» و «بیگ‌دیتا و جامعه: پژوهش‌های انتقادی میان‌رشته‌ای» است. مطالعات او به فلسفه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات،

معرفت‌شناسی اجتماعی، فلسفه فمینیستی علم و فناوری، مطالعات علم و فناوری و طراحی فناوری مرتبط است.

می ثورست (May Thorseth): استاد فلسفه در نوروژ و مدیر برنامه NTNU برای اخلاق کاربردی و عضو گروه مدیریت در برنامه جهانی‌سازی NTNU. مدیر پروژه اخلاق کاربردی: حکمرانی سلامت و منابع طبیعی. مؤلف کتاب‌های متعدد از جمله: اطلاعات جهانی و اخلاق کامپیوتر؛ هندبوک اخلاق اطلاعات و کامپیوتر کیمبریج.

پیتر-پل فربیک (Peter-Paul Verbeek): استاد فلسفه فناوری و رییس دپارتمان فلسفه در دانشگاه تونته هلند. او رییس انجمن فلسفه و فناوری نیز هست. پژوهش‌های او عمدتاً بر جنبه‌های انسان‌شناختی و اخلاقی روابط انسان و فناوری تمرکز دارد. کتاب اخیر او در این حوزه بسیار اهمیت است: اخلاقی‌کردن فناوری: فهم و طراحی اخلاق اشیاء؛ او در این کتاب اهمیت اخلاقی فناوری را تحلیل می‌کند و استلزامات آن را برای نظریه اخلاق و طراحی می‌کاود.

۳- ترجمه مانیفست آن لایف

گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات (فاوا) و جذب آن‌ها در جامعه به صورتی رادیکال بر روی وضعیت انسان تأثیر می‌گذارد، تا جایی که روابط ما با خودمان، با دیگران، و با جهان را تغییر می‌دهد. فراگیری روزافزون فاوا چارچوب‌های مرجع مستقر را از طریق دگرگونی‌های زیر متزلزل می‌کند:

۱. مبهم کردن تمایز بین واقعیت و مجاز؛
۲. مبهم کردن تمایز بین انسان، ماشین و طبیعت؛
۳. تغییر از کمیابی اطلاعات به وفور اطلاعات؛ و
۴. انتقال از اولویت موجودات به اولویت کنش‌های متقابل.

ذهن آدمی جهان را از طریق مفاهیم به چنگ می‌آورد: ادراک ضرورتاً به وساطت مفاهیم محقق می‌شود، چنانکه گویی مفاهیم رابط‌هایی^۱ هستند که واقعیت از طریق آن‌ها تجربه و تفسیر می‌شود. مفاهیم درکی از واقعیات پیرامونی و وسیله‌ای برای دریافت این واقعیات فراهم می‌آورند. اما جعبه‌ابزار مفهومی کنونی مہیای پرداختن به چالش‌های جدید مرتبط با فاوا نیست و به فرافکنی‌های بدبینانه درباب آینده می‌انجامد: چیزی که نتوانیم از آن سر در آوریم و به آن معنا بدهیم موجب هراس ما می‌شود و آن را از خود می‌رانیم.

برای تصدیق این نابسندگی و کاوش در مفهوم‌پردازی‌های بدیل، گروهی متشکل از ۱۵ دانشور در انسان‌شناسی، علوم شناختی، علوم کامپیوتر، مهندسی، حقوق، علوم اعصاب، فلسفه، علوم سیاسی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی مأموریت یافتند تا پیشگامی آنالیف (Onlife Initiative) را به راه اندازند، یک فعالیت فکری دسته‌جمعی برای بررسی پیامدهای تغییرات مذکور در حوزه سیاست‌گذاری. این فعالیت برای مهندسی مجدد مفاهیم، تلاش می‌کند تا الهام‌بخش تأمل درباب چیزی باشد که بر ما گذشته است و با اطمینان و وثوق بیشتری آینده را باز-تصویر کند.

این مانیفست بر آن است تا بحثی گشوده درباره‌ی تأثیرات عصر محاسباتی بر روی فضاهای عمومی، سیاست و انتظارات اجتماعی از سیاست‌گذاری در دستور کار دیجیتال برای حیطه عمل اروپا^۲ به راه اندازد.

از منظری گسترده‌تر، هدف این مانیفست به راه انداختن تأملی است درباب شیوه‌ای که از طریق آن جهانی بیش‌متصل^۳ ما را به بازاندیشی درباره چارچوب‌های مرجعی فرامی‌خواند که سیاست‌های ما بر روی آن‌ها بنا می‌شوند. این فقط یک سرآغاز است ...

۳-۱- آیا بازی برای مدرنیته به اتمام رسیده است؟

ایده‌هایی که توانایی سیاست‌گذاری برای پرداختن به چالش‌های عصر بیش‌متصل را به تعویق می‌اندازند.

۳-۱-۱- فلسفه و ادبیات از مدت‌ها پیش برخی پیش‌فرض‌های مدرنیته را به چالش کشیده و در

^۱ interfaces

^۲ Digital Agenda for Europe's remit

^۳ hyper connected

آن‌ها تجدید نظر کرده‌اند. اما مفاهیم سیاسی، اجتماعی، حقوقی، علمی و اقتصادی و روایت‌های مرتبطی که شالوده سیاست‌گذاری را می‌سازند، هنوز عمیقاً در مفروضات قابل تردید مدرنیته لنگر انداخته‌اند. البته مدرنیته - برای برخی یا بسیاری - سفری فرحبخش بوده است و در تمام مسیرهای زندگی ثمرات فراوان و عظیمی به بار آورده است. اما مضرات خودش را نیز داشته است. فارغ از این مناقشات، برداشت ما آن است که محدودیت‌ها و امکانات عصر محاسباتی برخی مفروضات مدرنیته را عمیقاً به چالش می‌کشد.

۳-۱-۲- مدرنیته زمانه‌ی نسبتی پُرتنش بین انسان‌ها و طبیعت بوده است، که مشخصه‌اش تقلای آدمی برای رخنه کردن به رازهای طبیعت بود در حالی که هم‌زمان آن را همچون منبعی منفعل و بی‌پایان در نظر می‌گرفت. اتوپیای محوری در این دوران پیشرفت بود که با طلب حالتی دانای مطلق و قادر مطلق جفت شده بود.^۱ توسعه شناخت علمی (ترمودینامیک، الکترومغناطیس، شیمی، فیزیولوژی ...) فهرست بی‌پایانی از مصنوعات جدید را در تمام بخش‌های زندگی پدید آورد. علی‌رغم پیوند عمیق بین مصنوعات و طبیعت، همچنان این ادعا مفروض گرفته می‌شد که بین مصنوعات فناورانه و طبیعت جدایی وجود دارد. رشد و استقرار فاوا در محو کردن این تمایز نقش فوق‌العاده‌ای ایفا کرده است، تا حدی که استمرار در استفاده از این تمایز با این فرض که همچنان کارایی دارد موهوم و غیرمولد است.

۳-۱-۳- عقلانیت و عقل غیر بدنمند ویژگی‌های بالاص مدرن انسان‌ها بوده‌اند که آن‌ها را از حیوانات متمایز می‌کردند. در نتیجه، اخلاق موضوعی مربوط به سوژه‌های خودمختار غیر بدنمند بود نه موجودات اجتماعی. و مسئولیت تأثیراتی که مصنوعات فناورانه بر جا می‌گذاشت به طراح، تولیدکننده، فروشنده یا مصرف‌کننده نسبت داده می‌شد. فاوا با فراخواندن مفهوم مسئولیت توزیع شده این مفروضات را به چالش می‌کشد.

^۱ منظور ما از حالت انگاره‌ی دوگانه‌ی طرز ایستادن و ژست گرفتن، به عبارت دیگر، اشغال یک موضع و دیده شدن در حین اشغال آن موضع است.

۳-۱-۴- سرانجام، استعاره‌های مکانیکی بر نهادهای سیاسی و جهان‌بینی‌های حاکم بوده است: نیروها، علّیت، و فراتر از همه، کنترل اهمیتی اساسی داشتند. الگوهای سلسله‌مراتبی مُدل‌های کلیدی برای نظم اجتماعی بودند. دولت‌های وستفالی نماینده‌ی سازمان‌های سیاسی بودند و قدرت‌های مطلق را در درون قلمروشان اعمال می‌کردند. تصور می‌شد که در چنین دولت‌هایی قوای مقننه، مجریه و قضاییه یکدیگر را متعادل می‌کنند و در مقابل خطر سوءاستفاده از قدرت محافظت می‌کنند. فاوا با میسر ساختن سیستم‌های چندعاملی و گشایش امکان‌های جدید برای دموکراسی مستقیم، جهان‌بینی‌ها و استعاره‌هایی را که در بنیان ساختارهای سیاسی مدرن قرار دارند متزلزل و بازاندیشی درباره آن‌ها را ایجاب می‌کند.

۳-۲- در تنگنای فرانکنشتاین و برادر بزرگ

ترس‌ها و مخاطرات در یک عصر بیش‌متصل

۳-۲-۱- شایان توجه است که شکّ دکارتی و تردیدهای مربوطه در باب آن چیزی از طریق حواس آدمی ادراک می‌شود، به اعتماد روز-افزون به کنترل در همه‌ی اشکالش انجامیده است. در مدرنیته، دانش و قدرت عمیقاً با ایجاد و حفظ کنترل پیوند دارند. کنترل هم طلب می‌شود و هم مورد نفرت است. ترس‌ها و مخاطرات را نیز می‌توان در چارچوب کنترل ادراک کرد: کنترل بیش از اندازه- به بهای از دست رفتن آزادی- یا فقدان آن- به بهای از دست رفتن امنیت و ثبات. به نحوی پارادوکسیکال، در این زمانه بحران اقتصادی، مالی، سیاسی و زیست‌محیطی به سختی می‌توان تشخیص داد که چه کسی کنترل چه چیزی را، چه زمانی، و در چه محدوده‌ای در دست دارد. به سختی می‌توان مسئولیت‌ها و تعهدات را به وضوح به کسی تخصیص داد و بدون ابهام بر آن صحّه گذاشت. ممکن است مسئولیت‌های توزیع‌شده و در هم تنیده به غلط چونان مجوزی برای عمل غیرمسئولانه فهم شوند؛ وانگهی این شرایط ممکن است رهبران تجاری و دولتی را دچار وسوسه کند تا تصمیمات دشوار را به تعویق اندازند و بدین ترتیب به از دست رفتن اعتماد بیانجامد.

۳-۲-۲- در بافتی از هویت‌های به شدت واسطه‌خورده و تعاملات حساب‌شده‌ای مانند سوانح احوال، تبلیغات هدفمند، یا تبعیض قیمت تجربه آزادی، برابری و غیریت در سپهرهای عمومی به امری غامض تبدیل می‌شود. کیفیت سپهرهای عمومی نیز با افزایش کنترل اجتماعی از طریق نظارت متقابل یا جانبی (*souveillance*) تحلیل می‌رود، نظارتی که ضرورتاً بهتر از نظارت «برادر بزرگ» نیست، آنطور که ارباب سایبری به طرز روزافزونی نشان می‌دهد.

۳-۲-۳- وفور اطلاعات نیز ممکن است موجب اضافه‌بار شناختی، حواس پرتی، و نسیان (اکنون کم‌حافظه) شود. اعتماد بیش از حد به زیرساخت‌های اطلاعاتی اشکال جدیدی از آسیب‌پذیری‌های سیستمی ایجاد می‌کند. بازی‌های قدرت در سپهرهای آنلاین می‌توانند به نتایج نامطلوبی بی‌انجامند، از جمله قدرت‌زدایی از مردم از طریق دستکاری در داده‌ها. بازتوزیع قدرت و مسئولیت در بین مقامات عمومی، عوامل صاحب منصب، و شهروندان باید به شکلی منصفانه‌تر متعادل شود.

۳-۳- دوگانه‌گرایی مرده است! زنده‌باد دوگانه‌ها!

به چنگ آوردن چالش‌ها

۳-۳-۱- در سرتاسر تلاش جمعی‌مان، یک پرسش همواره پیش چشم ما قرار می‌گرفت: «انسان بودن در زمانه‌ای بیش‌متصل به چه معناست؟» پاسخی قطعی نمی‌توان به این پرسش داد، اما طرح آن برای نزدیک‌شدن به چالش‌های دوران ما مفید از آب در آمده است. ما گمان می‌کنیم که با برتری دادن جفت‌های دوتایی بر دوبرخشی‌های متضاد به بهترین شکل می‌توان به این چالش‌ها رسیدگی کرد.

کنترل و پیچیدگی

۳-۳-۲- در جهان آن لایف، مصنوعات دیگر صرفاً ماشین‌هایی نیستند که تنها بر اساس دستورات انسانی عمل کنند. آن‌ها می‌توانند به شیوه‌های خودکار تغییر وضعیت دهند و می‌توانند این کار را با حفاری در گنجینه‌ی داده‌هایی که با سرعت نمایی رشد می‌کنند انجام دهند؛ این داده‌ها با توسعه سریع و فراگیری روزافزون فاواها بیش از پیش فراهم، دسترس‌پذیر و قابل پردازش می‌شوند. داده‌ها در همه‌ی اشکال ماشین، اپلیکیشن‌ها و وسایل به شیوه‌هایی نوین ضبط، ذخیره، محاسبه و دوباره به کار گرفته می‌شوند؛ این شیوه‌های نوین فرصت‌های بی‌پایانی برای محیط‌های سازگار و شخصی‌شده خلق می‌کنند. انواع گوناگونی از فیلترها به طور پیوسته توهم ادراکی عینی و بی‌غرض از واقعیت را می‌فرسایند، در حالی که هم‌زمان فضاها را جدیدی برای تعاملات انسان و ممارست در دانش‌های جدید می‌گشایند.

۳-۳-۳- با وجود این، دقیقاً در همان لحظه‌ای که حالت دانای مطلق/توانای مطلق دسترس‌پذیر به نظر می‌رسد، آشکار می‌شود که این وضعیت پنداری واهی، یا دست کم هدفی همواره گریزپا است. این واقعیت که محیط آکنده از جریان‌ها و فرآیندهای اطلاعات است آن را به محیطی دانای مطلق/توانای مطلق تبدیل نمی‌کند. بلکه، چنین محیطی برای مواجهه با مسائلی چون مالکیت، مسئولیت، حریم خصوصی، و تعیین‌بخشیدن به خود نیازمند صورت‌های جدیدی از اندیشیدن و عمل را در سطوح متعدد است.

۳-۳-۴- تا حدودی، می‌توان پیچیدگی را نام دیگری برای امکان در نظر گرفت. اصلاً نباید در سیستم‌های پیچیده مسئولیت را به کناری نهاد، ما معتقدیم ضرورتی برای ارزیابی مجدد مفاهیم پذیرفته‌شده‌ی مسئولیت فردی و جمعی وجود دارد. خود پیچیدگی و درگیری مصنوعات و انسان‌ها ترغیب‌مان می‌کند تا درباره مفهوم مسئولیت در چنین سیستم‌های اجتماعی-تکنیکی توزیع‌شده‌ی بازاندیشی کنیم.

۳-۳-۵- تمایز کلاسیکی که فردریش هایک بین کاسموس و تاکسیس می‌گذارد، یعنی تکامل در مقابل برساختن، مرزی بین نظم‌های خودانگیخته (علی‌الظاهر طبیعی) و طراحی (سیاسی و فناورانه) انسان ترسیم می‌کند. اکنون که مصنوعات در مقیاسی جهانی از کنترل انسان گریخته‌اند، ولو اینکه در دست‌های [توانایی] انسان ریشه داشته باشند، استعاره‌های زیست‌شناختی و تکاملی

را نیز می‌توان در مورد آن‌ها به کار برد. از دست رفتن متعاقب کنترل ضرورتاً چشمگیر نیست. تقلاها برای بازیابی کنترل به شیوه‌ای اضطراری و ناندیشیده چالشی متوهمانه‌اند و محکوم به شکست‌اند. از این‌رو، پیچیدگی تعاملات و تراکم جریان‌های اطلاعات دیگر قابل تقلیل به تاکسیس به تنهایی نیستند. بنابراین مداخله عوامل مختلف در این سیستم‌های اجتماعی-تکنیکی نوظهور نیازمند یادگیری این امر است که بین آنچه کوسموس-مانند قلمداد می‌شود، یعنی چونان محیطی مفروض که از الگوهای تکاملی‌اش تبعیت می‌کند، و آنچه تاکسیس-مانند تلقی می‌شود، یعنی در حیطه برساختن [انسان] قرار دارد و این برساختن به شکلی مؤثر به نیت و/یا مقاصد انسان واکنش نشان می‌دهد، تمایز قائل شویم.

۳-۴- حوزه عمومی و خصوصی

۳-۴-۱- تمایز بین حوزه عمومی و خصوصی غالباً بر حسب شرایط مکانی و متضاد فهم می‌شود: خانه در مقابل میدان عمومی، شرکت خصوصی در مقابل مؤسسه عمومی، مجموعه خصوصی در مقابل کتابخانه عمومی و نظایر آن. گسترش فاوا فرآیند محو شدن این تمایز را وقتی در قالب مکانی و ثنوی بیان می‌شود شدت بخشیده است. اینترنت یکی از بسط‌های مهم حوزه عمومی است، حتی وقتی که کنشگران خصوصی آن را به کار می‌برند و در اختیار می‌گیرند. مفاهیمی چون جماعت‌های تکه تکه، مکان‌های سوم، و عوام، و تمرکز روزافزون بر بهره‌گیری از هزینه‌های مالکیت همگی فهم کنونی ما از تمایز عمومی-خصوصی را به چالش می‌کشند.

۳-۴-۲- با وجود این، به گمان ما تمایز بین حوزه عمومی و خصوصی امروزه بیش از هر زمان دیگری موضوعیت دارد. امروزه حوزه خصوصی به صمیمیت، استقلال، و محافظت از خیره‌شدن دیگران مربوط است در حالیکه حوزه عمومی قلمرو نمایش، شفافیت و پاسخگویی است. از این امر ممکن است اینگونه القا شود که مسئولیت و کنترل در حوزه عمومی قرار دارند و آزادی در حوزه خصوصی. چنین دیدگاهی ما را نسبت به نقایص حوزه خصوصی و امکانات حوزه عمومی

نابینا می‌سازد، در جایی که امکانات حوزه عمومی نیز مؤلفه‌های یک زندگی خوب را تشکیل می‌دهند.

۳-۴-۳- ما معتقدیم که هر کسی هم به حفاظت از نگاه خیره عموم نیاز دارد و هم به نمایش و آشکارشدن. سپهر عمومی باید به طیفی از تعاملات و درگیری‌ها بال و پر دهد که شامل این موارد باشد: توانمندسازی برای مات کردن خود، نیاز به ابراز خود، ایفاکردن هویت، شانس برای بازآفریدن خود، و نیز سخاوت فراموشی آگاهانه.

۳-۵- پیشنهادهایی برای بهتر ساختن تدابیر

تغییرات مفهومی با پیامدهای تدبیرمحور برای حکمرانی آنالیف خوب

۳-۵-۱- خود ربطی: یکی از پارادوکس‌های مدرنیته آن است که دو تفسیر متناقض از چیستی خود عرضه می‌کند. از یکسو، در قلمرو سیاسی خود آزاد فرض می‌شود، و «آزاد» غالباً به معنای مستقل، غیربدنمند، عقلانی، مطلع و منفصل فهم می‌شود: یک خود فردی و اتمی. از سوی دیگر، در چارچوب‌های علمی خود ابژه‌ای برای پژوهش است در بین دیگر ابژه‌ها و از این حیث کاملاً قابل تحلیل و پیش‌بینی‌پذیر تصور می‌شود. غالباً هدف این صورت از شناخت با تمرکز بر علل، انگیزه‌ها، یا موانع در چشم‌اندازی ابزاری تأثیر گذاشتن و کنترل کردن رفتارها در سطوح فردی و جمعی است. بنابراین بین بازنمایی سیاسی خود، چونان موجودی عقلانی، غیربدنمند، خودآیین و منفصل از یکسو و بازنمایی علمی خود، چونان موجودی دگرآیین و منتج از زمینه‌های چندعاملی و قابل توضیح با طیفی از رشته‌های علمی (اجتماعی، طبیعی و فناورانه) از سوی دیگر نوسانی مداوم وجود دارد.

۳-۵-۲- ما معتقدیم زمان آن فرارسیده است به بیان سیاسی تصدیق کنیم که خودهای ما هم آزاد است و هم اجتماعی، به این معنا که آزادی نه در خلأ، بلکه در فضایی از امکانات و محدودیت‌ها محقق می‌شود: خودهای ما علاوه بر آزادی از نسبت‌ها و تعاملات با خودهای دیگر، مصنوعات فناورانه، و بقایای طبیعت ناشی می‌شود و به آن‌ها اشتیاق دارد. در معنای دقیق کلمه،

اگر از مفهومی اقتصادی بهره بگیریم، انسان‌ها «آزادی با کشسانی» دارند. سرشت زمینه‌مند آزادی انسان هم ویژگی اجتماعی وجود انسانی را توضیح می‌دهد و هم گشودگی رفتارهای انسان را که تا حدودی به صورت سرسختانه پیش‌بینی‌ناپذیر باقی می‌مانند. شکل‌دادن به تدابیر و رویه‌ها در حیطه‌ی تجربه آنلایف به معنای مقاومت در برابر این فرض است که خود عقلانی و غیر بدنمند است، و در عوض باید برداشتی سیاسی از خود به مثابه خودی ذاتاً آزاد و ربطی تثبیت شود.

۳-۶- تبدیل شدن به جامعه‌ای از حیث دیجیتالی باسواد

۳-۶-۱- اتوپیای دانایی و توانایی مطلق اغلب مستلزم نگرشی ابزاری نسبت به دیگران و وسواس به تخطی کردن از مرزها و محدودیت‌هاست. این دو نگرش موانعی جدی بر سر راه اندیشیدن و تجربه کردن سپهرهای عمومی در قالب تکثر است، یعنی قالبی که در آن دیگران را نمی‌توان به ابزار تقلیل داد و به خودداری و احترام نیازمندیم. تدابیر باید مبتنی بر پژوهشی انتقادی در این باب باشند که چگونه امور انسانی و ساختارهای سیاسی عمیقاً به وساطت فناوری‌ها شکل می‌گیرند. صحه گذاشتن بر مسئولیت در واقعیتی بیش‌متصل نیازمند تصدیق این مسئله است که چگونه کنش‌ها، ادراکات، نیت، اخلاق، و حتی جسم ما با فناوری‌ها به طور عام و فاوا به طور خاص در هم تنیده است. هدف از توسعه‌دادن نسبتی انتقادی با فناوری‌ها نباید یافتن جایگاهی استعلایی بیرون از این وساطت‌ها باشد، بلکه هدف باید فهمی درون‌ماندگار از این امر باشد که چگونه فناوری‌ها به ما انسان‌ها شکل می‌دهند، در عین حال که ما انسان‌ها نیز به شکلی نقّادانه به فناوری‌ها شکل می‌دهیم.

۳-۶-۲- به نظر ما مفید است که به ارزیابی مجدد این مفاهیم پذیرفته‌شده بیانیشیم و صورت‌های جدیدی از کنش و اندرکنش را بسط دهیم، در جای اصلی خود و به تبعیت از عبارات زیر: «ساختن قایق در حال شناکردن».

۳-۷- مراقبت از توانایی‌های توجهی مان^۱

۳-۷-۱- وفور اطلاعات، که شامل توسعه «کلان داده‌ها» نیز می‌شود، موجب دگرگونی‌های عظیمی در لوازم مفهومی و عملی می‌شود. انگاره‌های قبلی عقلانیت بر این فرض استوار بودند که انباشت اطلاعات و شناختی که به سختی حاصل شده است، می‌تواند به فهم بهتر و در نتیجه کنترل بهتر بیانجامد. این آرمان دایره‌المعارفی همچنان وجود دارد و تمرکز عمدتاً بر این نکته است که ظرفیت‌های شناختی ما را با توسعه دادن آن‌ها همساز کند به این امید که این ظرفیت‌ها بتوانند پا به پای سپهر اطلاعاتی که همواره در حال رشد کردن است پیش بروند. اما این توسعه بی‌پایان در توصیف تجربیات روزمره ما روز به روز بی‌معناتر و ناکارآمدتر می‌شود.

۳-۷-۲- ما معتقدیم که جوامع باید از توانایی‌های توجهی انسان‌ها حفاظت کنند، آن‌ها را گرامی بدارند و پرورش دهند. این به معنای دست شستن از جستجو برای اصلاحات و پیشرفت نیست: چنین چیزی همواره مفید خواهد بود. بلکه، ما می‌گوییم که توانایی‌های توجهی یک دارایی محدود، گرانبها و کمیاب است. در اقتصاد دیجیتال چنان به توجه نگریسته می‌شود که گویی کالایی برای مبادله در بازار است یا کالایی است برای به جریان انداختن در فرآیندهای کار. اما این رویکرد ابزاری به توجه ابعاد اجتماعی و سیاسی آن را نادیده می‌گیرد، یعنی این واقعیت که توانایی و حق ما برای متمرکز کردن توجه‌مان شرطی حیاتی و ضروری برای خودآیینی، مسئولیت، تأمل بازتابی، تکثر، حضور متعهدانه، و جهت معنا است. درست همان طور که اعضای بدن آدمی نباید در بازار مبادله شوند، توانایی‌های توجهی ما نیز شایسته رفتار حفاظت‌کننده است. احترام به توجه را باید به حقوق بنیادینی چون حریم خصوصی و کمال بدنی پیوند داد، زیرا توانایی توجهی یکی از عناصر ذاتی خود ربطی برای نقشی است که در توسعه زبان، همدلی، و همکاری ایفا می‌کند. ما گمان می‌کنیم که، علاوه بر ارائه انتخاب‌های آگاهانه، تنظیمات پیش‌فرض و دیگر

^۱ Attentional Capabilities

ظاهراً نویسندگان در اینجا اشاره‌ای ضمنی به اصطلاح سوگیری توجه (Attentional bias) در روانشناسی دارند؛ سوگیری توجه یا سوگیری توجهی گونه‌ای سوگیری شناختی است که در آن انسان به صورت غیرارادی به یک محرک خاص توجه ویژه‌ای نشان می‌دهد. عموماً اینگونه سوگیری‌های به قضاوت‌ها و تصمیم‌گیری‌های نادرست منتهی می‌شوند. ظرفیت‌ها و توانایی‌های توجهی در انسان (مثل اندام‌ها در انسان) عاملی مهم در حفظ حیات و واکنش نشان دادن به محرک‌های محیطی است به همین دلیل نویسندگان معتقدند که باید از آن‌ها مراقبت کرد. مثلاً تبلیغات مدرن بسیار به این قابلیت در انسان‌ها وابسته است و عملاً وفور داده‌ها ممکن است موجب هرز رفتن این قابلیت انسانی شود. (مترجم)

جنبه‌های طراحی شده فناوری‌های ما باید توانایی‌های توجهی را محترم بشمارند و از آن‌ها محافظت کنند.

کوتاه سخن آنکه ما اعلام می‌کنیم توجه جمعی بیشتری باید صرف خود توجه شود، یعنی توجه به مثابه یک ویژگی ذاتی انسان که شکوفایی تعاملات آدمی و توانایی‌ها برای دست یازیدن به کنش معنادار در تجربه آنلایف را مشروط می‌سازد.

این مانیفست تنها یک سرآغاز است ...

۴- تحلیلی کوتاه بر مانیفست آن لایف

نهادهای حاکمیتی چون مرکز ملی فضای مجازی به طور خاص و جمهوری اسلامی ایران به طور عام چه چیزهایی می‌توانند از مانیفست آنلایف بیاموزند؟ اولین نکته‌ای که می‌توان آموخت «تبدیل یک طرح سیاسی به یک طرح علمی-آکادمیک» (و بالعکس) است. چنانکه دیدیم کمیسیون اروپایی پرسش سیاسی «وضعیت انسان در جهان بیش متصل» را به مسئله‌ای آکادمیک تبدیل کرد و توانست گروهی از محققان برجسته در فضای مجازی را به «جمعیت» تبدیل کند و قابلیت‌های بالفعل و بالقوه فعالان حوزه آکادمیک را به «نیروی سیاسی-حاکمیتی» بدل سازد. بده و بستان سیاست و علم (حاکمیت و آکادمی) در عین احترام به استقلال علم و دانشگاه نیروی محرکه‌ای سیاسی برای دولت و حکمرانی ایجاد می‌کند. در همین چارچوب می‌توان پیشنهاد تشکیل کارگروه‌های علمی در سطح ملی و بین‌المللی داد. به عنوان مثال می‌توان با مراجعه به اندیشمندان مسلمان در حوزه فضای مجازی دست به تدوین «مانیفست آنلایف اسلامی» زد و آن را به نیرو و انرژی علمی-سیاسی بین‌المللی تبدیل کرد. چنانکه می‌دانیم عرصه علم در سطح جهانی بسیار متأثر از چنین نیروهای خواهد بود. طبیعتاً ما به عنوان کشورهای اسلامی نمی‌توانیم در مقابل اینگونه مانیفست‌ها منفعل باشیم و بهترین شکل فعالیت در این چارچوب تدوین مانیفست اسلامی خواهد بود.

نکته دومی که اهمیت کمتری ندارد ملاحظه یک پدیده از چشم‌اندازهای مختلف و یافتن ثقل و اشتراک ماهوی این چشم‌اندازها است. ویژگی تصنیف مانیفست در همین ثقل ماهوی

است. در واقع همین ثقل ماهوی در چشم‌اندازهای مختلف است که تصویری پانوراما از یک پدیده در اختیار ما قرار می‌دهد. نیروی سیاسی مانیفست‌ها از همین ثقل ماهوی و تصویر پانوراما می‌آید. برای پدیده‌های در حال تغییری چون فضای مجازی تدوین چنین تصویر پانورامایی می‌تواند در تقویم آتی آن نقش مهمی ایفا کند. به تعبیر ساده‌تر، توافق‌ها و اشتراکات علمی بر سر یک پدیده به آن شکل و جهت خواهد داد و آینده آن را خواهد ساخت.

نکته دیگری که می‌توان از این مانیفست دریافت اهمیت ایجاد امور بین‌الذهانی در نهادهای سیاسی و علمی است. هیچ کشوری در جهان امروزی نمی‌تواند به تنهایی یک حقیقت به به عرصه بیاورد یا از صحنه محو کند. حقیقت باید قابل ترجمه به طرح‌های سیاسی و علمی جمعی باشد وگرنه قدرت لازم را نخواهد داشت. وارد شدن در ائتلاف‌های بین‌المللی یا تشکیل چنین ائتلافاتی در شرایط جهانی فعلی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. به تعبیری، حتی در بسیاری از موارد امور ملی را نیز باید در چارچوب چنین ائتلافاتی تعریف کرد. ملی‌بودن در عصر فضای مجازی نمی‌تواند بی‌توجه به بین‌المللی‌بودن باشد.

۵- منابع

Floridi, Luciano, The onlife manifesto: being human in a hyperconnected era (2014, Springer Open)

حوزه فضای مجازی به اندازه انقلاب اسلامی اهمیت دارد. این فضا مثل یک رودخانه پر از آب و خروشان است که می آید و دائماً هم بر آب آن افزوده و خروشان تر می شود. اگر ما بر این رودخانه تدبیر کنیم و برنامه داشته باشیم، زهکشی کنیم و هدایت کنیم این رودخانه را تا به سد بریزد، می شود فرصت. اگر رهايش کنیم و برنامه ای برای آن نداشته باشیم می شود یک تهدید.



csri.majazi.ir